آرمان ملی
armanmeli.ir
سال هشتم
شماره ۲۱۵۸
یکشنبه
۲۹ • ۰۴ • ۱۴۰۴
۲۴ محرم ۱۴۴۷ / ۲۰ جولای ۲۰۲۵

یادداشت

اردوغان در بزنگاه خاورمیانه

نیوشا مرادی
کارشناس روابط بین‌الملل

ترکیه در مواجهه با حملات نظامی اسرائیل علیه ایران، در مسیری متفاوت از بسیاری کشورهای منطقه حرکت کرد. در حالی که اغلب بازیگران مواضعی صریح و صف‌بندی‌هایی مشخص اتخاذ کردند، این کشور با توجه به روابط حساس و شکننده‌اش با هر دو طرف، راهبردی محتاطانه، چندلایه و منعطف در پیش گرفت. از یکسو، ایران کشوری است که ترکیه با آن بیش از ۵۶۰ کیلومتر مرز مشترک دارد و بیش از سه قرن است که دو کشور از درگیری‌های مستقیم و گسترده اجتناب کرده‌اند. مرز میان ایران و ترکیه یکی از باثبات‌ترین مرزها در خاورمیانه به شمار می‌آید و حفظ این ثبات برای منافع امنیتی و اقتصادی ترکیه اهمیت زیادی دارد. از سوی دیگر، ترکیه نخستین کشور مسلمان بود که اسرائیل را به رسمیت شناخت و تا پیش از بحران ناوگان امدادی ماوی مرمره در سال ۲۰۱۰، روابط نزدیکی با اسرائیل داشت. این روابط همکاری‌های عمیق امنیتی، اطلاعاتی، نظامی و اقتصادی را شامل می‌شد. با این حال، نقض مکرر قوانین بین‌المللی از سوی اسرائیل، از جمله کشتار غیرنظامیان در غزه، عملیات فرامرزی در لبنان و سوریه، و اخیراً حملات نظامی هدفمند علیه ایران، نگرش ترکیه نسبت به اسرائیل را به‌طور اساسی تغییر داده است.

در نگاه رهبران ترکیه، اسرائیل دیگر تنها یک بازیگر منطقه‌ای نیست، بلکه به عنوان کشوری تلقی می‌شود که با تکیه بر زور و بی‌اعتنایی به قوانین بین‌المللی، در پی بازتعریف نظم منطقه‌ای است. در چنین فضایی، ترکیه تلاش می‌کند در میانه افزایش تنش‌های منطقه‌ای، موقعیت خود را به عنوان بازیگری مستقل، متوازن و تأثیرگذار در سیاست خاورمیانه حفظ کند؛ نقشی که همسو با منافع ملی این کشور و هم‌راستا با جاه‌طلبی‌های ژئوپولیتیکی آن است.

بدین صورت که در واکنش اولیه به حملات نظامی صهیونیست‌ها علیه ایران، ترکیه موضعی انتقادی نسبت به اسرائیل اتخاذ کرد. اردوغان، این حملات را به شدت محکوم کرد و آنها را بخشی از یک استراتژی بدخیم و فراگیر دانست. او اسرائیل را عامل بی‌ثباتی در سراسر منطقه دانست و از جامعه بین‌المللی خواست تا «شبکه قتل» تحت رهبری بنیامین نتانیاهو را مهار کنند. در اجلاس ناتو در تاریخ ۲۵ ژوئن نیز اردوغان این حملات را «تروریسم دولتی» خواند. با این حال، واکنش ترکیه در عمل از این اظهارات فراتر نرفت. موضع ترکیه در قبال این حملات، بر حفظ فاصله از طرفین درگیر، ابراز همدردی و حمایت محدود دیپلماتیک متمرکز بود. تماس‌های تلفنی اردوغان با رئیس جمهوری ایران در همین راستا انجام شد.

وی در این گفت‌وگوها، ضمن اعلام آمادگی برای کمک به حل‌وفصل مسالمت‌آمیز بحران، نقش ترکیه را به عنوان میانجی‌ای بی‌طرف و سازنده در جهت تأثیرگذاری بر جامعه بین‌المللی برجسته کرد. تلاش ترکیه برای حفظ توازن در روابط خارجی خود، جلوگیری از درگیر شدن مستقیم در تنش‌های منطقه‌ای و ایفای نقشی فعال اما محتاطانه در تحولات ژئوپلیتیکی خاورمیانه است. این رویکرد منعکس‌کننده تحلیل دقیق معادله هزینه- فایده در حوزه‌های امنیت، اقتصاد و سیاست منطقه‌ای بود. از طرف دیگر بازتابی از نگرانی عمیق ترکیه نسبت به تداوم درگیری‌ها و پیامدهای احتمالی آن بود. اردوغان به خوبی آگاه است که درگیری‌های منطقه‌ای و پیامدهای ناشی از آن، تنها به کشورهای درگیر محدود نمی‌ماند و بازتاب آن در سراسر منطقه احساس می‌شود.

در واقع، درگیری میان اسرائیل و ایران نه تنها به منافع راهبردی ترکیه خدمت نمی‌کند، بلکه چالش‌های اساسی و چندلایه‌ای را برای ترکیه به همراه دارد. نخستین و مهم‌ترین نگرانی ترکیه، بروز ناامنی و آشفتگی در مرزهای شرقی‌اش با ایران است؛ مرزی که تاکنون یکی از پایدارترین مرزهای منطقه به شمار می‌رفته. از سوی دیگر، احتمال گسترش موج مهاجرت از ایران در صورت تداوم حملات اسرائیل، یکی دیگر از دغدغه‌های کلیدی ترکیه در این بازه زمانی بود.

ایران یکی از بازیگران کلیدی در تأمین انرژی مورد نیاز ترکیه به شمار می‌آید و نقش حیاتی در زیرساخت‌های انرژی این کشور دارد. ترکیه به‌رغم تحریم‌های آمریکا، در دوره‌های مختلف تلاش کرده است سطح واردات انرژی از ایران را حفظ یا حتی افزایش دهد، چراکه وابستگی بالایی به منابع انرژی منطقه‌ای دارد. پس ترکیه یکی از آسیب‌پذیرترین کشورها در برابر نوسانات بازار انرژی خاورمیانه است. ادامه‌دار شدن درگیری‌ها نه‌تنها می‌توانست به قطع یا محدودیت جدی در جریان صادرات انرژی ایران منجر شود، بلکه افزایش شدید قیمت‌ها در بازار جهانی انرژی را موجب می‌شد. چنین شرایطی به‌طور مستقیم به افزایش تورم داخلی در ترکیه، فشار بیشتر بر مصرف‌کنندگان و بحران در تراز تجاری منجر می‌شد. فراتر از پیامدهای کوتاه‌مدت، بی‌ثباتی در تأمین انرژی، منافع اقتصادی راهبردی و چشم‌انداز توسعه بلندمدت ترکیه را نیز تهدید می‌کرد.

این موضوع به‌ویژه در شرایطی اهمیت می‌یابد که ترکیه در تلاش است تا به یک مرکز منطقه‌ای انتقال انرژی تبدیل شود و برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی، به ثبات و پیش‌بینی‌پذیری در حوزه انرژی نیاز دارد. با این حال، آنچه در نهایت باعث شد ترکیه رفتاری دوپهلو و تا حدی منفعل در قبال حملات اسرائیل به ایران اتخاذ کند، مجموعه‌ای از ملاحظات ژئوپلیتیکی و توازن منافع بود.

اگرچه ترکیه از جاه‌طلبی‌های نظامی اسرائیل در منطقه نگران است و با تغییر توازن قدرت و نظم منطقه‌ای به نفع اسرائیل مخالف است، به طوری که دولت باغچلی، رهبر حزب حرکت ملی‌گرا و متحد سیاسی اردوغان، اظهار داشت که «ترکیه هدف بالقوه‌ای برای اسرائیل» محسوب می‌شود، و تلویحاً نسبت به گسترش دامنه درگیری‌ها هشدار داد. اما ترجیح داد حل‌وفصل بحران از طریق راه‌حل‌های دیپلماتیک دنبال شود و تنش‌ها به جنگی فراگیر منجر نشود. در نتیجه می‌توان گفت ترکیه در مواجهه با حملات نظامی اسرائیل به ایران، در بزنگاهی حساس قرار گرفت؛ وضعیتی که این کشور را ناگزیر به بازاندیشی در مورد خطرات امنیتی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی نوظهور کرد. برخلاف تصور برخی ناظران، موضع ترکیه نه از روی انفعال، بلکه حاصل یک محاسبه استراتژیک بود؛ موضعی که ترکیه را در نقش «ناظری فعال» و «موازنه‌گری محتاط» قرار داد.

غلامعلی دهقان در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

دیپلماسی فعال راه جلوگیری از مکانیسم ماشه

اسرائیل به دنبال یک ماجراجویی بزرگ در سوریه است

اسرائیل به دنبال تسویه حساب با رقبای منطقه‌ای است

آرمان ملی- احسان انصاری: مهم‌ترین اهداف اسرائیل به سوریه چه بود؟ آیا اسرائیل به دنبال تجزیه سوریه است؟ چرا اسرائیل با روی کار آمدن ترامپ در آمریکا با جدیت بیشتری نسبت به رقبای منطقه‌ای عمل می‌کند؟ آیا نتانیاهو قصد دارد از فرصت ترامپ برای عملی کردن طرح خاورمیانه بزرگ استفاده کند؟ آیا فعال کردن مکانیسم ماشه علیه ایران توسط کشورهای اروپایی جنگ نظامی علیه ایران را به جنگ اقتصادی تبدیل خواهد کرد؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات با غلامعلی دهقان تحلیلگر مسائل سیاسی و استاد دانشگاه گفت‌وگو کرده است. دهقان در این زمینه معتقد است: «هنوز زود است تا مشخص شود اهداف بعدی اسرائیل چیست. به نظر می‌رسد دیپلماسی‌های پشت پرده در این شرایط بسیار مهم است. به خصوص نقش ترکیه. اگر قرار باشد سویدا عملا چه به شکل خودمختاری و یا به شکل الحاق از سوریه جدا شود و یا اسراییل خود را مناطق دیگر سوریه برساند آنگاه نقش ترکیه به عنوان کشوری که پیش‌بینی می‌شد برنده بزرگ بازی پس از رفتن اسد باشد چه می‌شود. نتانیاهو نشان داده انگار افسار پاره کرده و حتی ترامپ را هم با خود همراه می‌کند. قضیه غزه و ایران اینگونه بود. سوال بعدی این است آیا ترکیه به دیپلماسی بسنده می‌کند و یا اینکه رو به اقدامات نظامی می‌آورد. اگر بخواهد وارد این فاز شود آیا عضویت در ناتو مانع او نخواهد بود؟ به نظر می‌رسد معادله جدید خاورمیانه با فرض ادامه ماجراجویی‌های اسرائیل در ابهام کامل است. حتی می‌تواند منجر به حوادث بزرگی هم بشود. باید منتظر ماند.» در ادامه ما حصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

پس از روی کار آمدن ترامپ در آمریکا به نظر می‌رسد اسرائیل برای رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده و به خصوص طرح «خاورمیانه بزرگ» با گستاخی بیشتری عمل می‌کند که نمونه بارز آن حملات چند روز اخیر به سوریه بوده است. اسرائیل در شرایط کنونی چه اهدافی را دنبال می‌کند؟

اسرائیل بر اساس قاعده تبدیل تهدیدات به فرصت‌ها طی ۲۲ ماه گذشته پس از حادثه ۷ اکتبر حماس تلاش کرده از این فرصت برای تسویه حساب با رقبای خود در منطقه استفاده کند. اول به سراغ نوار غزه رفت و به اسم قلع و قمع حماس کشتار ناجوانمردانه‌ای در آن منطقه صورت داد که در اخرین آمار تعداد تلفات انسانی در غزه به ۵۶۰۰۰ می‌رسد و همچنان هم ادامه دارد. نکته قابل توجه اینکه این کشتار غیر انسانی و نا جوانمردانه در زمان بایدن شروع و در ادامه با ریاست جمهوری ترامپ همچنان ادامه دارد. ترامپ در اوایل کار چند مدتی به اسم آتش بس به این جدال خاتمه داد اما این مدت دیری نپایید و دوباره اسراییل به فجایع خود ادامه داد. اسرائیل در سال گذشته هم عملیات‌های بزرگی چه در زمین و چه در هوا بر علیه حزب‌ا... در لبنان انجام داد که منجر به شهادت حسن نصرا... رهبر شجاع حزب‌ا... شد. علاوه بر این درگیر شدن حزب‌ا... با اسرائیل سبب شد حکومت اسد از پشتیبانی حزب‌ا... هم بهره‌ای نداشته باشد و به خاطر عدم تصمیم‌گیری به موقع در بحران پیش آمده در نهایت توسط گروه جولانی سرنگون شود که به نفع اسرائیل تمام شد. اسرائیل بعدا حملاتی به یمن و ایران هم داشت. در تمام موارد جنایت نتانیاهو، ترامپ که می‌گفت شعار من اول آمریکا است پابه‌پای او عمل کرد و این نشان از اتحاد راهبردی آمریکا و اسرائیل دارد. حتی بعد از حمله اسراییل و آمریکا به ایران گفته شد از مدت‌ها قبل در دوره بایدن تمهیدات این حمله آماده شده بود. به نظر می‌رسد اینکه از سال‌ها قبل گفته می‌شد اسرائیل ایالت پنجاه و یکم ایالات متحده آمریکا است کاملا درست باشد.

چرا نتانیاهو به مقر جولانی حمله کرد و از این حمله به دنبال چه بود؟ آیا اسرائیل به دنبال تجزیه سوریه است؟

اسرائیل نشان داده برای بقا دست به هر کاری می‌زند؛ از کشتار غیرنظامیان گرفته تا ترور مخالفین خود در خارج از مرزهایش و یکی از تاکتیک‌هایش استفاده از ظرفیت اقلیت‌ها در کشورهای مخالف خود است. اسرائیل در دهه ۷۰ میلادی و در جریان سرکوب فلسطینی‌های مستقر در لبنان و به خصوص مبارزه با گروه فتح به رهبری یاسر عرفات از توان و ظرفیت اقلیت مارونی‌های مسیحی لبنان بهره گرفت و با راه‌اندازی گروه‌های مسلح مارونی در لبنان از آنان حمایت کرد. گروه‌هایی که رهبری آنها بر عهده افرادی مثل پیر جمیل و ایلی حبیقه و بعدها سمیر جعجع بود. فالانژها وابسته به اسراییل و در راستای اهداف اسرائیل بودند. اکنون هم از این سیاست تاکتیکی در سوریه استفاده می‌شود. طایفه دوروز یک جمعیت حدودا هشتصد هزارنفری در سوریه هستند و اکثر ساکنان سویدا در جنوب غربی سوریه از این طایفه هستند. بخش دیگر دوروزی‌ها در جولان اشغالی می‌باشند که تقریبا جمعیت دویست هزاری نفری هستند. قراین و شواهد نشان می‌دهد این بار انگار قرار است دوروزی‌ها نقش حامی اسرائیل و در کنار آنها به پیشبرد اهداف اسرائیل در سوریه کمک کنند. تا اینجا معلوم شده شیخ طریفی و شیخ هجری از اسرائیل در خواست یاری کرده‌اند. نتانیاهو به دلیل همین درخواست‌ها برای خود دلیل موجهی پیدا کرده تا در سوریه به اقدامات بیشتری دست بزند، اما اینکه هدف نهایی دوروزی‌ها خودمختاری و یا الحاق به اسرائیل است، باید منتظر روزهای آینده بود. شاید هم اسرائیل قصد داشته باشد سویدا را آغازی برای شروع یک ماجراجویی بزرگ در سوریه کند و از آنجا به شکل یک نیم دایره از سویدا در جنوب غرب سوریه خود را به شمال شرق سوریه مناطق تحت سکونت کردهای سوریه برساند. هرچند این فرضیه دور از ذهن می‌آید اما جاه‌طلبی صهیونیسم و از جمله اهداف اولیه آنها در بدو پیدایش هر سناریویی را محتمل می‌کند. منظور سناریو از نیل تا فرات است. اسرائیل در مورد ایران هم از پتانسیل و ظرفیت اقلیت‌ها استفاده می‌کند. کمک پنهانی به گروه‌های تجزیه‌طلب در غرب و شرق کشور هم در این راستاست. علاوه بر این دیدیم چگونه از شورش‌های موسمی مثل قضایای پاییز ۱۴۰۱ بهره‌برداری کرد و یا در همین قضیه هجوم ۱۲ روزه بر روی پتانسیل پهلوی‌ها حساب ویژه‌ای باز کرده بود که خوشبختانه مردم ما با درایت خودشان و همبستگی ملی توان آنها را به حاشیه کشاندند و سبب شکست کودتای اسرائیلی-آمریکایی شدند.

> **اینکه هدف نهایی دروزی‌ها خودمختاری و یا الحاق به اسرائیل است، باید منتظر روزهای آینده بود. شاید هم اسرائیل قصد داشته باشد سویدا را آغازی برای شروع یک ماجراجویی بزرگ در سوریه کند**

اسرائیل پس از جنگ با ایران به سوریه هم حمله کرد. اهداف بعدی اسرائیل چیست و آیا کشورهای دیگر منطقه نیز در معرض تهدید قرار دارند؟

> **جاه‌طلبی صهیونیسم و از جمله اهداف اولیه آنها در بدو پیدایش هر سناریویی را محتمل می‌کند. منظور سناریو از نیل تا فرات است. اسرائیل در مورد ایران هم از پتانسیل و ظرفیت اقلیت‌ها استفاده می‌کند**

هنوز زود است تا مشخص شود اهداف بعدی اسرائیل چیست. به نظر می‌رسد دیپلماسی‌های پشت پرده در این شرایط بسیار مهم است. به خصوص نقش ترکیه. اگر قرار باشد سویدا عملا چه به شکل خودمختاری و یا به شکل الحاق از سوریه جدا شود و یا اسرائیل خود را مناطق دیگر سوریه برساند آنگاه نقش ترکیه به عنوان کشوری که پیش‌بینی می‌شد برنده بزرگ بازی پس از رفتن اسد باشد چه می‌شود. قطعا ترک‌ها نمی‌خواهند بازنده بزرگ بازی پس از رفتن اسد باشند. بنابراین عکس‌العمل آنها طبیعی است. اینکه این عکس‌العمل چگونه خواهد بود باید منتظر روزهای آتی بود. نکته قابل توجه غافل‌گیری و انفعال ترکیه در این میان است. کشوری که پس از فتح دمشق توسط جولانی پیش‌بینی می‌شد برنده بزرگ این بازی باشد حالا برای ورود مستقیم به نبرد با موانع جدی روبه‌روست و از سویی به جهت حامی جولانی نمی‌تواند شاهد شکست او باشد، چراکه نمی‌خواهد برنده دیروز و بازنده امروز باشد. آیا دیپلماسی ترکیه، عربستان و قطر سبب فشار بر آمریکا و سپس از طریق ترامپ به نتانیاهو می‌شود؟ این فشارها چقدر تاثیر بر اسرائیل دارد؟ در این زمینه ابهامات جدی وجود دارد. نتانیاهو نشان داده انگار افسار پاره کرده و حتی ترامپ را هم با خود همراه می‌کند. قضیه غزه و ایران اینگونه بود. سوال بعدی این است آیا ترکیه به دیپلماسی بسنده می‌کند و یا اینکه رو به اقدامات نظامی می‌آورد. اگر بخواهد وارد این فاز شود آیا عضویت در ناتو مانع او نخواهد بود؟ به نظر می‌رسد معادله جدید خاورمیانه با فرض ادامه ماجراجویی‌های اسرائیل در ابهام کامل است. حتی می‌تواند منجر به حوادث بزرگی هم بشود. باید منتظر ماند.

در شرایطی که ایران و اسرائیل در وضعیت آتش‌بس شکننده قرار دارند کشورهای اروپایی به دنبال فعال کردن مکانیسم ماشه هستند. آیا قرار است نبرد نظامی با ایران به نبرد اقتصادی تبدیل شود؟

در رابطه با فعال شدن مکانیسم ماشه انگار آخرین فعالیت‌های از منظر دیپلماسی در حال انجام است و امید است کشورهای اروپایی در این شرایط از گسترش بحران در روابط خود با ایران جلوگیری کنند. واقعیت این است ما ایرانی‌ها در نبرد ۱۲ روزه با اسرائیل نشان دادیم در برابر شداید و سختی‌ها از همیشه متحدتر می‌شویم و از انسجام بیشتر برخوردار. به قول معروف نشان داده‌ایم هر ضربه‌ای که باعث کشتن نشود ما را قوی‌تر می‌کند. جنگ صدام باعث شد ما در زمینه‌های نظامی بعد از جنگ کارهای بزرگی مثل صنعت موشکی داشته باشیم. فشار حداکثری ترامپ در دور اول ریاست جمهوری ما را قوی‌تر کرد و صاحب قدرت پهپادی در سطح اول جهان. حمله اخیر هم سبب شد ترس توده مردم به خصوص نسل‌های جدید بریزد. بنابراین مکانیسم ماشه اگر اعمال شود پس از شوک اولیه تاثیر آنچنانی برای ما ایرانی‌ها نخواهد داشت. زمستان می‌گذرد ولی روسیاهی آن برای زغال می‌ماند. یادمان نرفته در نیمه اول ده هفتاد و قضیه معروف به دادگاه میکونوس اروپایی‌ها در اعتراض رفتند، اما پس از مدتی دست از پا درازتر برگشتند. هر چند ممکن است باز هم دیپلماسی جواب دهد و قضیه مکانیسم ماشه در آینده به نوعی حل و فصل شود.

فرشاد مومنی:

فساد، اصلی‌ترین تهدید انسجام ملی است

رئیس موسسه دین و اقتصاد، در نشستی با موضوع «نقش محوری مبارزه پیشگیرانه با فساد در حفظ و ارتقای کیفیت همبستگی و انسجام ملی»، با نگاهی ریشه‌ای نسبت به روندهای جاری در کشور هشدار داد و گفت: اگر آن انسجام و وحدت ملی را می‌خواهید، هیچ عنصری به اندازه مبارزه با فساد در اولویت قرار ندارد، چراکه فساد در ذات خود نشان‌دهنده ناکارآمدی سیستم سیاسی است. دکتر فرشاد مومنی، با اشاره به برخی تجربه‌های جهانی و تحلیل‌های اقتصاد سیاسی، تصریح کرد که هر حکومتی که به سمت شوک درمانی می‌رود، عملا وارد فاز تسخیرشدگی توسط مافیاها شده است، اما در کشور ما نه تنها هشدار دهندگان به سیاست‌های غلط، عنصر نامطلوب شمرده می‌شوند، بلکه قانون حمایت از سوت‌زنان هم تبدیل به مضحکه‌ای بی‌اثر شده است. استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی با اشاره به تجربه کشورهای آمریکای لاتین و آفریقا در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ هشدار داد که می‌توان با ۱۰ دلار افرادی را اجیر کرد تا دست به جنایت بزنند؛ این یعنی بین سیاستهای تورم‌زا و شوک درمانی با گسترش جرم، فقر و ناامنی پیوندی مستقیم وجود دارد. وی تاکید کرد که سیاست‌های شکست‌خورده مانند شوک ارزی، آزادسازی واردات، خصوصی‌سازی و افزایش قیمت حاملهای انرژی بارها تکرار شده‌اند، بی‌آنکه هیچ حد یقفی برای این آزمون‌های پرهزینه تعریف شده باشد.

مومنی در بخش دیگری از سخنانش، با بیان اینکه ویل دورانت گفته است هیچ تمدنی از بیرون مغلوب نمی‌شود؛ تمدن‌ها وقتی فرو می‌پاشند که از درون فاسد شوند، انتقاداتی جدی نسبت به عملکرد بانک مرکزی و نظام گمرکی کشور مطرح کرد و گفت: همبستگی ملی فقط در چارچوب شفافیت، مشارکت، نظارت، عزت نفس مردم و خدمتگزاری حکومت معنا دارد، نه با تعارف و چشم‌پوشی از فساد به دلیل ملاحظات جناحی.

تسخیر ساختارهای تصمیم‌گیری، بی‌ثبات‌سازی اقتصاد کلان، پنهان‌کاری در انتشار داده‌ها و حمایت از رانت‌جویان، به‌جای تقویت تولید فناورانه، عملا مسیر را برای گسترش فساد ساختاری هموار کرده است.

گزارش

حشمت‌ا... فلاحت‌پیشه:

کسانی که فرصت‌های دیپلماسی ایران را کشتند باید در دادگاه منافع ملی پاسخگو باشند

یک نماینده ادوار مجلس درباره درس عبرتی که باید جنگ ۱۲ روزه می‌گرفتیم و لزوم بازنگری در سیاست‌های کلان کشور اظهار کرد: معتقدم که هنوز ایران و اسرائیل در شرایط جنگی بسر می‌برند و به همین دلیل قبل از اینکه موضوع درس گرفتن از جنگ را مطرح کنم، بحث مدیریت جنگ را عرض می‌کنم و خطاب بنده مستقیماً به دولت آقای پزشکیان است. در شرایط جنگی، آنچه اهمیت دارد، این است که دولت، کارآمدی خود را حفظ کند. ما می‌بینیم که جریانات افراطی به شدت به دولت حمله می‌کنند و حتی به صورت مستقیم به پزشکیان حمله می‌کنند. ایلنا نوشت؛ حشمت‌ا... فلاحت پیشه گفت: دولت در شرایطی که جنگ به او تحمیل شده، به سرعت شرایط را به گونه‌ای شکل داد که شکاف و تنش کارآمدی در جامعه شکل نگیرد و نقش مؤثری را ایفا کرد. اما می‌بینیم که به همین نقطه قوت دولت که مدیریت بحران بود، حمله می‌شود که این حمله از ناحیه کسانی است که تا روز بعد از آتش‌بس ساکت بودند و پس از آتش‌بس دوباره با طرح ادعایی جناحی به میدان آمدند. من از اولین دقایق جنگ دعوت کردم که ملت در کنار سربازان بایستند. من دیدم که بسیاری از کسانی که پای سربازان وطن ایستادند، کسانی بودند که بعضا مورد ظلم افراطیون کشور قرار گرفته بودند، اما پای میهن ایستادند. این فعال سیاسی با بیان اینکه مهم‌ترین درس جنگ این بود که نشان داد میهن‌پرستان واقعی کسانی هستند که سال‌ها تلاش کردند که کشور دچار فتنه افراطیون نشود، تصریح کرد: افراطیون کسانی بودند که با شعارهای مختلف صاحب بودجه و منصب شدند ولی هیچ مسئولیتی نپذیرفتند. بنابراین، دولت پزشکیان باید به صورت جدی و رسمی از افراطیون اعلام برائت کند و در قالب یک برنامه همگرایی منطقه‌ای سعی کند با آشوب‌ها و فتنه‌های آینده در خاورمیانه مقابله کند. همان روز اول جنگ عرض کردم که اگر آمریکا و اسرائیل در این جنگ همراه شوند، یک نظام ارباب رعیتی به سود اسرائیل در منطقه حاکم خواهد شد. امروز که داریم با هم مصاحبه می‌کنیم، می‌بینیم که اسرائیل هم در حال حمله به فلسطین، هم لبنان و هم سوریه است. این دقیقاً نمود بخشی از آن نظام ارباب رعیتی است که اسرائیلی‌ها سعی می‌کنند بعد از ناکامی در جنگ با ایران، به مرزهای خود تحمیل کنند. در چنین شرایطی، دولت پزشکیان می‌تواند در قالب یک طرح همگرایی منطقه‌ای به تنش‌های بین کشورهای اسلامی پایان داده و یک سازوکار منطقه‌ای را در مقابل نظام ارباب رعیتی اسرائیل محور ایجاد کند. فلاحت‌پیشه با اشاره به اینکه در شرایط قبل از جنگ، مواضع ایران به برخی کشورهای عربی نزدیک شده بود و اساس این مواضع هم پرهیز از جنگ بود، اظهار کرد: عده‌ای که برای تشکیلات کاملا الیگارشی خود بودجه دولتی دریافت می‌کنند، حتی در خاک عربستان هم به دنبال برهم زدن رابطه ایران و عربستان بودند. من معتقدم افراطیون دو ضربه به منافع ملی زدند؛ ضربه اول این بود که ایران را مدام به فتنه‌های منطقه نزدیک می‌کردند. من در طول پنج سال اخیر بارها خطاب به دولت‌های مختلف مصاحبه کردم و گفتم که منطقه با فتنه مواجه است و دولت‌ها باید گلیم منافع ملی کشور خود را از این فتنه‌ها خارج کنند. متأسفانه افراطیون اجازه این کار را ندادند. در سال آخر دولت روحانی و در سال اول دولت رئیسی و بعد از آن، افراطیون حتی به گونه‌ای عمل کردند که آقای پزشکیان هم نتواند به وعده‌های انتخاباتی خود در تنش‌زدایی عمل کند. وی افزود: گام دوم افراطیون این بود که مانع شکل‌گیری همگرایی ایران با برخی از کشورهای اسلامی می‌شدند. به رغم اینکه تمام توان دفاعی ایران در مقابل اسرائیل و آمریکا بود، افراطیون به گونه‌ای عمل می‌کردند که کشورهای مسلمان منطقه را بترسانند.

ادعای حاکمیت بر ۶ پایتخت عربی، ادعای بستن تنگه هرمز، ادعای ضربه زدن به کانون‌های انرژی و البته در صدر این‌ها چالش‌های ایدئولوژیکی که راه می‌انداختند، از جمله اقدامات آنها بود. این استاد دانشگاه روی دیگر سکه افراط‌گرایی را افرادی دانست که در خارج از ایران به دنبال این فتنه‌ها بودند و گفت: این‌ها به گونه‌ای عمل کردند که متأسفانه ایران امکان یارگیری از کشورهایی که به نوعی از اسرائیل آسیب دیده بودند را نداشته باشد. کاری که افراطیون انجام می‌دهند، این است که دوباره با صدای بلند مسائلی را مطرح می‌کنند که از پاسخگویی فرار کنند. آنها فرصت‌های دیپلماسی ایران را کشتند و اکنون باید در دادگاه منافع ملی پاسخگو باشند. وی خاطرنشان کرد: دولت آقای پزشکیان موظف است رسماً از افراطیون اعلام برائت کند و در قالب یک طرح ملی، کشور را از این فتنه دور کند. یک بخش این طرح تقویت بنیه دفاعی و یک بخش آن رفتن به سمت همگرایی منطقه‌ای علیه نظام ارباب رعیتی اسرائیل در منطقه است. اخیراً می‌شنویم که عده‌ای می‌گویند مکانیسم ماشه کاغذپاره است. این عده زمانی قطعنامه‌های شورای امنیت را هم کاغذپاره خواندند، ولی دیدیم که این کاغذپاره‌ها چه فشاری را بر مردم وارد کرد. این افراد حتی سفره مردم را هم کاغذپاره می‌خوانند. منافع و مناصب آنها هیچ‌گاه به خاطر جنگ و تحریم تهدید نشد، ولی این مردم بودند که توان افراطی‌گری‌های آنها را پرداختند.